



مصباح دوستان

اشاره: دانش آموزان دبیرستان نمونه امام موسی بن جعفر (ع) ساوه (مشارکت کننده در طرح مطالعاتی شهید مطهری)، طی سفری که به شهر مقدس قم داشتند در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۵ با حضرت آیت الله مصباح یزدی دیدار داشتند و ایشان با این دانش آموزان به عنوان نماینده تمام نوجوانان عزیز ایران، مباحثی مهم و کاربردی مطرح نمودند که در ادامه آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

از دیدار عزیزان و نوجوانان شهرستان مذهبی و ولایی ساوه خیلی خوشحالم و امیدوارم که زیارت حضرت معصومه (س)، بهره‌ی معنوی از مسجد جمکران و سپس آشنایی با حوزه‌ی علمیه برای شما عزیزان مفید باشد.

اصطلاح سطح یک را می‌گذارند (که خودش در حکم یک لیسانس است) با شرکت در آزمون این موسسه پذیرفته می‌شوند؛ یعنی ما به اندازه‌ی ظرفیت خودمان دانشجو می‌پذیریم و در سه مقطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری آموزش می‌بینند.

رشته‌های تخصصی موسسه امام خمینی (ره)

ما در ۱۲ رشته‌ی علوم انسانی^{*}، دانشجو می‌پذیریم و بعد هم تا دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری آن رشته‌ها ادامه پیدا می‌کند. تا به حال ما عده‌ی زیادی فارغ التحصیل در مقطع فوق لیسانس و دکتری داشتیم که در دانشگاه‌ها، در مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی و حتی اداری، در مجلس شورای اسلامی، در دستگاه‌های قضایی و حتی در دولت حضور دارند و مشغول انجام وظیفه به‌خصوص در مسایل فرهنگی و اسلامی هستند. غیر از دو رشته‌ای که کمابیش در سایر مراکز حوزوی هم هست (یعنی علوم

آشنایی با موسسه امام خمینی (ره)

همین طور که می‌دانید این‌جا (مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره))، یکی از مراکز آموزشی حوزه است که با توجه به نیازهای جدید در نظام اسلامی و برای استفاده از متون دینی به عنوان یک نظام آموزشی خاصی تعریف شده و پدیدآمده است و سپس این نظام آموزشی در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رسماً تأیید گردید و طلبه‌ها بعد از ۵ یا ۶ سال که در حوزه درس می‌خوانند و به



عکس تزئینی است

این زمینه‌ها اسلام چه می‌گوید و سعی کنند آن‌ها را اجرا کنند؛ یعنی دولتی را سرکار بیاورند و نمایندگانی را برای مجلس انتخاب کنند که طرفدار این افکار باشند.

قرآنی و فلسفه، بقیه رشته‌ها معمولاً در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، مثل روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت، ادیان و... ولی همه‌ی این رشته‌های تخصصی در اینجا در جهت ارائه‌ی خدمت به نظام اسلامی، و تحقق اهداف اسلام و تشیع در این زمان است.

از سوم راهنمایی یا دیپلم؟

خب این کار از چه موقع باید شروع بشود؟ معمولاً تحصیلات قبل از دیپلم جزء معلومات عمومی است و همه باید تا این اندازه درس بخوانند تا بتوانند در این جامعه زندگی کنند. محصلین بعد از دیپلم است که دیگر رشته‌های تخصصی را انتخاب می‌کنند و یا در دانشگاه‌ها مشغول می‌شوند و یا به حوزه می‌آیند و مشغول دروس علوم دینی می‌شوند. بعضی از جاها حتی بعد از سوم راهنمایی هم برای تحصیلات طلبگی محصل می‌پذیرند؛ بنابراین باید نوجوان‌های متدین و عزیز ما آگاه باشند که ما برای شناخت اسلام و برای پیاده کردن احکام اسلام از چه معلوماتی باید بهره‌مند باشیم. باید ببینیم چه رشته‌هایی هست که باید این‌ها، فرا گرفته بشود.

یک موقع پزشکی کم داشتیم! الان چی؟

همان‌طور که شما اجمالاً می‌دانید ما فیزیک‌دان، شیمی‌دان، ریاضی‌دان، زیست‌شناس، طیب و مهندس می‌خواهیم و بالاخره طبق ذوق و سلیقه و علاقه‌ای که افراد دارند یک رشته‌ای را انتخاب می‌کنند. همین‌طور شما باید بدانید ما به عالماتی نیاز داریم که در تفسیر قرآن تخصص داشته باشند، تاریخ اسلام را خوب بدانند، مدیریت اسلامی خوب بلد باشند، اقتصاد اسلامی و سایر رشته‌هایی را که مربوط به اسلام است بدانند. باید بدانید چنین چیزهایی هم هست و باید خودتان را آماده کنید برای این که بخشی از نیروهای جوان ما به این کارها بپردازند تا این نیازها برطرف بشود. مثلاً در جامعه‌ی ما در یک شرایطی فرض کنید پزشکی کم باشد و به قدر کافی نباشد. شما که یادتان نیست، ولی از بزرگترها پرسید: قبل از انقلاب در کشور ما پزشکی خیلی کم بود، برای تأمین نیازمندی‌های پزشکی از چند تا کشور پزشکی وارد

حداقل ۳۰ سال تلاش!

ما همه معتقدیم که اسلام دینی است که در همه‌ی زمینه‌ها برای بشر دستور دارد و در هیچ حوزه‌ای نیست که اسلام به نحوی در آن زمینه سفارش، توصیه، دستور، راهنمایی و ارشادی نداشته باشد؛ مخصوصاً رشته‌های علوم انسانی که با فکر، عقیده، رفتار و منش انسان سروکار دارد. اگر ما به اسلام و به پیاده شدن احکام اسلام در جامعه علاقه‌مند هستیم و به این که خود ما و جامعه‌ی ما در پرتوی اسلام به سعادت برسیم؛ یعنی واقعا معتقد باشیم که راه سعادت انسان در دنیا و آخرت، شناخت اسلام و استفاده از احکام اسلام است؛ اگر به این امر معتقد باشیم باید سعی کنیم که هر چه بیشتر اسلام شناخته بشود و هر چه بیشتر عمل بشود. شناختن احکام و معارف اسلام، اعتقادات و ارزش‌های اسلامی؛ مثل همه‌ی چیزهای دیگر، احتیاج به درس و مطالعه و تحقیق دارد. شما می‌دانید که این علمایی که مرجع تقلید هستند و رساله می‌نویسند و دیگران به فتوای آن‌ها عمل می‌کنند، این‌ها حدود ۴۰ تا ۵۰ سال در یک رشته از علوم اسلامی کار می‌کنند و آن، رشته‌ی فقه و اصول است. امثال حضرت امام (رضوان الله علیه) و سایر مراجع بزرگی که از دنیا رفتند یا هستند و اسم آن‌ها را شنیده‌اید، این‌ها هر کدام حداقل ۳۰ سال، و آن‌هایی که سَنَشان بیشتر است و بیشتر کار کرده‌اند تا ۵۰ یا ۶۰ سال فقط در رشته‌ی فقه و اصول زحمت کشیده‌اند تا توانسته‌اند احکام اسلام را درست استنباط کنند و در اختیار مردم بگذارند و آن‌ها استفاده کنند. ولی اسلام تنها احکام فقهی نیست، بلکه تعلیم اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هم دارد؛ همه‌ی این‌ها برای اسلام است. باید در این رشته‌ها هم کار کرد و باید متخصصینی در این رشته‌ها داشته باشیم تا بدانند در

عمران و مهندس شهرسازی داشته باشیم. اگر روحانی کارآمد نداشته باشیم، چه می‌شود؟ دین مردم ضعیف می‌شود، شبهاتی را می‌شنوند جوابش را نمی‌دانند و کم کم ایمانشان ضعیف می‌شود و نهایتاً خدای نکرده به طور کامل نسبت به دین بی‌اعتقاد می‌شوند؛ یعنی هم دنیای آن‌ها و هم آخرتشان از بین می‌رود.

ضرر محدود یا بی‌نهایت!؟

آن رشته‌های دیگر وقتی کمبود دارد، کمبودش فقط ضرر دنیوی دارد؛ پزشک وقتی کم باشد بیماری زیاد می‌شود؛ اما حالا بیماری که زیاد شد حتماً معنایش جهنم رفتن نیست. مهندس که نباشد کارهای عمرانی، کارهای مهندسی و کارهای فنی کمتر پیش می‌رود، ما پیشرفت اقتصادی، پیشرفت صنعتی نخواهیم داشت؛ اما معنایش این نیست که هر که پیشرفت صنعتی نمی‌کند حتماً جهنم می‌رود. اما اگر دین ضعیف بشود، چه می‌شود؟ اگر کسی بی‌دین از دنیا برود و اعتقاد نداشته باشد این عذاب ابدی خواهد داشت؛ یعنی بی‌نهایت بدبختی نصیبش می‌شود. بنابراین شما می‌توانید یک محاسبه‌ی ساده انجام بدهید که ما در هر صنفی، در هر رشته‌ای متخصص کم داشته باشیم ضررش محدود است؛ اما اگر در دین، دین‌شناس کم داشته باشیم ضررش بی‌نهایت است. برای این که آخرت حد ندارد. اهمیت کدام مورد در بین این‌ها بیشتر است؟ آن رشته‌هایی که نبودش ضررش متناهی است یا آن رشته‌هایی که ضررش نامتناهی است؟ چقدر این دو تا فرق دارد؟! بین متناهی و نامتناهی چه نسبتی است؟ هیچ نسبتی نیست؛ یعنی بی‌نهایت، از هر عدد متناهی که فرض شود، بی‌نهایت بالاتر است. هر عددی شما فرض کنید، هر قدر هم این عدد بزرگ باشد بالاخره تمام شدنی است؛ اما بی‌نهایت دیگر تمام شدنی نیست، چقدر بالاتر از این است؟ بی‌نهایت بالاتر است. اگر بگوییم یک عددی به اندازه یک عدد معینی بزرگ‌تر از عدد دیگری است هر دو متناهی می‌شود. X و Y اگر هر دو متناهی باشند، X به علاوه Y نتیجه‌اش هم متناهی می‌شود؛ اما اگر گفتیم یکی بی‌نهایت از یکی دیگر بزرگ‌تر است، اصلاً قابل نسبت‌سنجی و مقایسه نیست که بگوییم این چند برابر آن است.

کدام مهم‌تر است؟

ما از این بحث نتیجه می‌گیریم که اگر ما در زمینه دین‌شناسی کمبود داشته باشیم، بی‌نهایت به جامعه‌ی ما ضرر می‌رسد، ولی اگر در رشته‌های دیگر کمبود داشته باشیم ضررش به این اندازه نیست. البته باید آن نیازها را هم تأمین بکنیم؛ همه چیز جامعه‌ی اسلامی باید کامل باشد، ما نباید نیازمند به کفار و بیگانگان باشیم. ما در انرژی هسته‌ای هم باید متخصص داشته باشیم، دستان سوی دیگران دراز نباشد، عزت اسلامی است؛ ولی کدام مهم‌تر است؟ کدام اگر نباشد ضررش بیشتر است؟ اگر مردم دین خود را از دست بدهند، دیگر دنیا و آخرت درستی برای آن‌ها باقی نمی‌ماند و همه این‌ها الی‌الابد خراب می‌شود. بنابراین هر کسی، هر اندازه‌ای که می‌تواند باید برای شناخت دین تلاش کند. در مرحله‌ی اول ما باید کمبودها و نیازهایی که خودمان در این زمینه داریم را برطرف کنیم.

چرا مطالعه‌ی آثار شهید مطهری؟

این کاری که شما شروع کردید (مطالعه‌ی آثار شهید مطهری) (رضوان الله علیه) برای این است که سؤالاتی که برای خود شما مطرح می‌شود، جوابش را بدانید. اما یک مطهری باید باشد که این کتاب‌ها را بنویسد و شما آن را مطالعه کنید؛ یک تئوری پردازی باید در اقتصاد باشد که بگوید چه کار باید بکنند تا این که اقتصاددانان آن تئوری را پیاده کنند و نیازهای اقتصادی کشور مرتفع بشود. در سیاست باید

می‌کردند؛ از پاکستان، از هندوستان، از بنگلادش، از فیلیپین. این‌ها کشورهایی بودند که طبیب‌های زیادی به ایران می‌فرستادند. آن‌ها هم این‌جا مطب باز می‌کردند، حقوق می‌گرفتند و از درآمدشان برای خود و کشور خود بهره می‌بردند؛ یعنی ما به قدر کافی پزشک نداشتیم و ناچار بودیم از پزشکان خارجی استفاده کنیم. حالا الحمدلله بعد از انقلاب عکس شده؛ الان پزشک آن قدر زیاد داریم که بیکار هستند، و الان پزشک‌هایمان را به کشورهای دیگر می‌فرستیم. آن زمانی که مردم احساس می‌کردند که پزشک کم است یعنی صبح جلوی در مطب پزشک‌ها صف می‌بستند و طبعاً در این معطلی‌ها و این شرایط، بیماریشان افزایش پیدا می‌کرد، طبیب نمی‌رسید درست رسیدگی بکنند، شلوغ بود، جمعیت زیاد بود، همین‌طور تند تند نسخه می‌نوشتند و می‌رفتند. آن وقت اگر کسی احساس مسئولیت می‌کرد چه کار باید می‌کرد؟ باید سعی می‌کرد، بعد از دیپلم گرفتن دنبال پزشکی برود. اگر در شهر شما آموزگار یا دبیر کم باشد، طبعاً انسان می‌گوید من وقتی درس را خواندم می‌روم لیسانسی می‌گیرم که بشوم دبیر، بشوم آموزگار تا بچه‌های مردم بهتر بتوانند استفاده کنند. اگر مهندس کم باشد همین‌طور، خوب اگر در جامعه‌ی ما اسلام‌شناس کم باشد؛ یعنی مردم احتیاج دارند به یک سلسله مسائلی که باید از دین یاد بگیرند، اما کسی نیست به آن‌ها یاد بدهد یا کم هستند. شبهه‌هایی برای مردم در رادیوها، در مجلات، در تلویزیون‌ها، در روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر دنیا مطرح می‌شود که دشمن این‌ها را القا می‌کند برای این که دین مردم را تضعیف کند. اگر به قدر کافی کسانی نباشند که این‌ها را پاسخ بگویند باید احساس مسئولیت کنیم که این نیاز مهم را رفع کنیم. ان‌شاءالله در شهر شما به قدر کافی باشند، اما خیلی جاها در کشور ما هست که عالمی دینی که بتواند به همه‌ی این شبهات پاسخ بگوید به قدر کافی نیست.

خودتان را آماده کنید!

بسیاری از دانشجویها وقتی دانشگاه می‌روند و با این شبهه‌ها مواجه می‌شوند، فکر می‌کنند این شبهه‌ها قابل جواب نیست، اعتقادشان ضعیف می‌شود و نسبت به دین سست می‌شوند. می‌گویند این اشکالات در دین هست و جواب آن را هم بلد نیستند. خیال می‌کنند که جواب ندارد و این اشکالات بر دین وارد است، پس نتیجه می‌گیرند که این دین خیلی هم محکم نیست؛ و به تدریج ایمانشان ضعیف‌تر می‌شود تا خدای ناکرده کاملاً نسبت به دین بی‌اعتقاد می‌شوند. برای این که این اتفاق نیفتد چه باید کرد؟ ما باید به فکر باشیم که جامعه به قدر کافی اسلام‌شناس داشته باشد که در هر بعدی از این ابعاد؛ دینی، روانشناسی، اخلاق، اعتقادات، مسایل اقتصادی، مسایل اجتماعی، و مسایل سیاسی هر جا شبهه‌ای درباره‌ی اسلام باشد، کسانی باشند که بتوانند جواب بدهند. این‌ها از کجا باید تربیت بشوند؟ خوب از خود شما باید تربیت بشوند. مهندسین آینده از کجا هستند؟ از میان شما برمی‌خیزند. پزشک‌ها از کجا به وجود می‌آیند؟ خوب از بین شما برمی‌خیزند. این نسلی که رفتند جایشان شما می‌آید؛ پس شماها هستید که باید خودتان را آماده کنید که پزشک مملکت را تأمین کنید، مهندسش را تأمین کنید و سایر نیازهای جامعه، از جمله عالمان دینی را تأمین کنید.

اگر روحانی کارآمد در جامعه نباشد چه می‌شود؟

اگر پزشک نباشد، چه می‌شود؟ بیماری در جامعه زیاد می‌شود. اگر مهندس عمران و راه نباشد، چه می‌شود؟ شهرها آن طوری که باید آباد بشود نمی‌شود، جاده درست نمی‌شود، ترافیک در شهر زیاد می‌شود، کسانی نیستند درست راهنمایی کنند (در نتیجه) این مشکلات به وجود می‌آید. پس ما باید مهندس





که راهی را که تشخیص می‌دهد، درست دنبال کند و تنبلی نکند. آن وقت به این مقامی رسید، که امام فرمود او حاصل عمر من است. این خیلی حرف است که کسی مثل امام یک همچون سختی بگوید. هر مشکلی پیدا می‌شد که احتیاج به تحقیق و پاسخ داشت به آقای مطهری ارجاع می‌داد. ایشان برای تحقیق و برای پاسخ دادن به آن آمادگی داشت. این همه سرمایه‌هایی که ما داریم برای زحماتی است که ایشان قبل از انقلاب کشید.

اگر شهید مطهری زنده بود...!

اگر اوایل انقلاب ایشان به دست کور دلان به شهادت نرسیده بود، ما امروز از غنای فرهنگی خیلی بیشتری بهره‌مند بودیم. آثاری که الان از ایشان مانده است عمدتاً برای قبل از انقلاب است. ایشان اوایل انقلاب و بعد از پیروزی، زمان زیادی زنده نماند. اگر امروز ایشان بود؛ یعنی قریب ۳۰ سال در دوران انقلاب خدمات علمی کرده بود، بسیاری از نیازهای ما مرتفع می‌شد. ولی خوب دشمنان زودتر از ما او را شناختند، اهمیتش را درک کردند و او را از ما گرفتند.

نیاز به شهید مطهری‌ها

ما باید سعی کنیم این خلأ را با زحمت خودمان، با تلاش خودمان پر کنیم. البته آن وقت هم وجود یک نفر کافی نبود، در آینده هم یک نفر کافی نخواهد بود. ممکن است به ذهنتان بیاید خوب ده نفر سعی کنند که جای آقای مطهری را بگیرند، ما که در آینده ده تا مرجع تقلید بیشتر نمی‌خواهیم، ده تا طلبه بیایند درس بخوانند و مرجع تقلید بشوند! اگر کسی همچون طرحی را به شما پیشنهاد کند شما چه می‌گویید؟ پاسخ این است که وقتی یک حوزه‌ی پنجاه هزار نفری بود، پنج مرجع تقلید از آن در می‌آید. اگر از همان اول پنج نفر و ده نفری که نیاز بود، می‌آمدند و درس می‌خواندند، هیچ کدام از آن چند نفر، شاگرد این مراجع هم نمی‌شدند، چون وقتی حوزه‌های درس پانصد نفری و هزار نفری هست، تعامل بین استاد و شاگرد، و تعامل حوزه و دانشگاه و... برقرار می‌شود و آن‌ها سؤال می‌کنند، جواب می‌دهند، تحقیق می‌کنند، و همه اینها به یک استاد برای تحقیق مسایل کمک می‌کنند تا این که به اوج می‌رسد. آقای مطهری در اوج تحقیق بود. برای پیدا شدن او هزاران نفر باید باشند تا یک نفرشان مطهری بشود. بنابراین لااقل به همان نسبتی که برای تربیت پزشک باید در جامعه فعالیت، نیروسازی و مقدمه سازی بکنیم، برای روحانی کارآمد هم باید اهتمام داشته باشیم. نیاز ما به روحانی به این دلیل است؛ چون او پزشک روح است؛ مفاسد اخلاقی، مفاسد اجتماعی، مفاسد اعتقادی همه این‌ها باید به برکت علوم دینی و علوم اسلامی حل بشود.

دعاهای استاد

امیدوارم که خدای متعال به همه‌ی شما عزیزان توفیق بدهد که بهترین خدمات‌ها را به نظام اسلامی خود انجام دهید تا هم سعادت دنیا و آخرت برای خود شما فراهم بشود و هم بتوانید کمک بکنید به دیگران که آن‌ها هم بتوانند خودشان را برسانند؛ چون همه‌ی کسانی که دلشان می‌خواهد به یک کمالاتی برسند و به اوج برسند، موفق نمی‌شوند و مشکلات زندگی برای افرادی پیش می‌آید که مانع از رشدشان می‌شود. شما باید سعی کنید و از حالا خودتان را مهیا کنید، همت داشته باشید که سختی‌ها، کمبودها، مشکلات و... مانع رهاقتان نشود. تصمیم قطعی بگیرید که برای شناختن اسلام و شناساندن اسلام به دیگران وقت کافی بگذارید و نیروی کافی صرف کنید تا هم زمینه‌ی سعادت برای خودتان و هم زمینه‌ی عزت و سعادت برای کشورتان فراهم بشود، و هم در پیشگاه خدا و امام زمان (عج) عزیز و سربلند باشید. والسلام علیکم ورحمه‌الله

* این رشته‌ها اکنون به ۱۴ رشته توسعه پیدا کرده است.



تئوری پردازانی باشند که روش مدیریت سیاسی کشور را تعیین کنند، تا دیگران یاد بگیرند، بیایند و عمل کنند. همین طور که اگر ما مرجع تقلید نداشته باشیم، دیگر رساله‌ی عملیه‌ای نیست و مردم نمی‌دانند چه جور باید احکام دین خود را عمل کنند، همین طور اگر عالمانی نداشته باشیم که در سایر رشته‌های علوم متخصص باشند، پاسخ شبهه‌ها داده نمی‌شود. وقتی داده نشد شک در دل‌ها پیدا می‌شود؛ آن وقت می‌گویند نکند این شبهه‌ها پاسخ ندارد! اگر پاسخ ندارد، پس ما به چیزی معتقد شدیم که اساسی ندارد! کم کم مردم نسبت به دین‌شان بی‌علاقه می‌شوند و دشمنان هم که دنبال همین هستند. وقتی ما می‌توانیم دینمان را حفظ بکنیم که برای اعتقادات خود دلیل محکم داشته باشد و بتوانیم شبهه‌های آن را پاسخ بدهیم و این احتیاج دارد به این که دین‌شناسان کاملی داشته باشیم.

آیا شهید مطهری کافیست؟

ممکن است به ذهن‌تان بیاید که خب این شبهه‌ها را امثال آقای مطهری رسیدگی کرده‌اند و کتاب آن را هم نوشته‌اند و دیگر تمام شد! ما فقط باید برویم کتاب‌های ایشان را بخوانیم و یاد بگیریم. اگر این سؤال را درباره‌ی پزشکی مطرح کنند، آیا این جواب صحیح است که بگوییم خود پزشک‌ها کتاب‌های پزشکی نوشته‌اند، و شما فقط باید بروید کتاب‌های پزشکی را بخوانید و عمل کنید؟ آیا دیگر پزشک نمی‌خواهیم؟ آیا این استدلال آن‌جا درست است؟ مخصوصاً در مسائلی مثل پزشکی که هر روز یک بیماری جدیدی پیدا می‌شود، و داروی جدیدی کشف می‌شود. در این امور هم هر روز یک شبهه‌ی جدیدی مطرح می‌شود، دائماً شیاطین درصدد شبهه‌سازی هستند، و حرف‌های جدیدی مطرح می‌کنند. باید کسانی باشند که توانایی پاسخ دادن به این شبهه‌های نو به نو را داشته باشند و باید متخصص این کار باشند. بنابراین اگر ما می‌خواهیم اسلام در این کشور باقی بماند (که البته باید بخواهیم، چون سعادت دنیا و آخرت ما منوط به اسلام است)، باید اسلام‌شناسان قابلی داشته باشیم؛ یعنی امثال آقای مطهری باید زیاد داشته باشیم. همان طور که یک پزشک نمی‌تواند بگوید من نسخه برای همه شهرها می‌نویسم و هر کس که به این بیماری مبتلا شود اگر به این نسخه عمل کند، از آن بیماری نجات می‌یابد، بلکه باید برای هر جا و هر بیماری یک پزشک و متخصصی باشد و تشخیص بدهد بیماری این شخص چیست و چگونه باید آن را معالجه کرد، در امور دینی هم عیناً همین‌طور است. بنابراین شما باید اولاً از آثار علامه‌ی شهید مطهری (رضوان الله علیه) نیازهای فعلی خود و آن شبهه‌هایی که احیاناً به ذهن‌تان می‌آید یا کسانی گفته‌اند و شما شنیده‌اید را برطرف کنید؛ ثانیاً کم کم آماده بشوید برای این که این رشته‌های علمی را در آینده دنبال کنید و در بعضی از این رشته‌ها تخصص پیدا کنید تا بتوانید برای آیندگان مطهری‌هایی را بسازید.

حاصل عمر امام خمینی!

آقای مطهری حتماً یک روزی مثل شما بود، در همین سن شما و کمتر از این. وقتی احساس کرد که برای علوم دینی باید کار کرد و نیاز است، موضوع تحصیلی خود را انتخاب کرد، به مدرسه طلبگی در مشهد رفت، بعد از مدتی به قم آمد و از اساتید بزرگی؛ امثال حضرت امام و علامه طباطبایی استفاده کرد تا مطهری شد. از کجا معلوم؛ شاید در میان شما کسانی باشند که مثل مطهری بشوند. هیچ معلوم نبود که ایشان از بسیاری از شماها امتیازات بیشتری داشته باشد! فقط ایشان درست تشخیص داد و بعد هم همت کرد